جلال متینی

William L. Hanaway & Brian Spooner
Reading Nasta'liq. Persian and urdu
Hands From 1500 to the Present
Bibliotheca Iranica (Literature Series No.3)
Mazda Publishers, 1995, pp. 278

«آموزش خط نستعلیق»
تألیف ویلیام ال. هَنَوِی و براین اسپونر
دستنوشته‌های فارسی و اردو
از سال ۱۵۰۰ میلادی تا زمان حاضر

رواج چاپ سربی از قرن پیش، و ورود ماشین تحریر در سازمانهای دولتی و خصوصی ایران در چند دهۀ اخیر، چند تغییر بنیادی به‌همراه داشته است. نخست آن که نقش خطاطان و خوشنویسان را ــ برخلاف قرنهای پیش ــ در نسخه برداری از متون، و سپس چاپ لیتوگراف و نگارش نامه‌های رسمی و اداری به حد صفر رسانیده است. دیگر آن‌که از بین خطوط مختلفی که در ایران معمول بود، تنها خط نسخ جانشین همۀ آنها گردیده است. چنان‌که حتی از خط نستعلیق و شکسته که ساخته و پرداختۀ ایرانیان در چند قرن پیش است، تقریباً دیگر در اسناد رسمی و اداری اثری به‌چشم نمی‌خورد. و نتیجه آن‌که نسل جوان ایران و نیز دانشجویان و ایران‌شناسان خارجی به‌هنگام مراجعه به‌اسناد و مدارک چند قرن اخیر که به‌خط نستعلیق و شکسته نوشته شده است با مشکلات بسیار مواجه می‌گردند زیرا آنان تنها با خط نسخ که امروز در چاپخانه‌ها و ماشینهای تحریر و کامپیوترها به‌عنوان تنها شیوۀ نگارش خط فارسی شناخته می‌شود، آشنایی دارند. از طرف دیگر نباید این موضوع را از یاد برد که امروز ما ایرانیان دستنویسهای خود را عموماً به‌خط نستعلیق یا شکسته می‌نویسیم نه به‌خط نسخ، و چنین است وضع در افغانستان برای نگارش زبانهای فارسیِ دری و پشتو و در شبه‌قارۀ هند برای نوشتن زبانهای فارسی و اردو.

با توجه به آنچه گفته شد، دو تن از استادان فاضل دانشگاه پنسیلوانیا، امریکا ــ ویلیام ال. هنوی و براین اسپونر ــ از سال ۱۹۹۰ به‌بعد مطالعه و بررسی خط نستعلیق و شکسته فارسی و اردو را از آغاز قرن شانزدهم میلادی تا زمان حاضر در دستور کار خود قرار دادند و با مشورت با چند تن از صاحبنظران خارجی و ایرانی، و نیز با مراجعه به‌کتابهایی که در آنها حتی چند صفحه‌ای به این موضوع اختصاص داده شده بوده است، به‌تألیف کتاب ارجمند «آموزش خط نستعلیق» توفیق یافته‌اند. مؤلفان کتاب در هر زمینه به‌اصطلاح سنگِ تمام گذاشته‌اند و آنچه را که مورد نیاز دانشجو و محقق در این

زمینه است، در کمال دقت نوشته‌اند، به‌طوری که می‌توان گفت کسی که خواندن و نوشتن فارسی می‌داند، ولی تاکنون نوشته‌ای را به‌خط نستعلیق و شکسته نخوانده است، با مراجعه به این کتاب، نه‌فقط به اسلوب نگارش این خط در ایران و افغانستان و شبه‌قارهٔ هند آشنا می‌گردد، بلکه خواهد توانست براساس الگوهای چاپ شده در این کتاب نوشته‌های مشابه را نیز خود بخواند.

درمقدمهٔ کتاب به اهمیت خط نستعلیق و شکسته و دامنهٔ گسترش آن اشاره گردیده است بدین شرح که خط نستعلیق به‌عنوان خطی مستقل از نیمهٔ دوم قرن چهاردهم میلادی در کنار دیگر خطوط فارسی ـ عربی به‌وجود آمد و از آن به‌بعد در دو شاخهٔ غربی و شرقی آثار بسیاری به آن خط نوشته شده است. شیوهٔ غربی آن بعد در افغانستان و شبه‌قارهٔ هند به‌حیات خود ادامه داده، و شاخهٔ شرقی آن که در خراسان به‌وجود آمده بود، در ایران رواج یافت. مؤلفان کتاب نوشته‌اند از اواسط قرن پانزدهم به‌بعد، سه‌چهارم نوشته‌های فارسی در ایران به این خط است. خط نستعلیق و شکسته در چند قرن اخیر به‌جز ایران، در افغانستان برای زبانهای فارسی و پشتو، در آسیای مرکزی برای زبانهای فارسی و انواع زبانهای ترکی، در شبه‌قارهٔ هند برای زبانهای فارسی و اردو و در قفقاز و عثمانی برای زبانهای ترکی و فارسی به‌کار می‌رفته است. خلاصه آن‌که قرنها این خط از شرق چین تا شبه جزیرهٔ بالکان تنها خطی بود که مسلمانان ــ به‌جز عربها ــ آن‌را به‌کار می‌بردند. البته استعمال آن در قرن حاضر در چین، در قلمرو سابق اتحاد جماهیر شوروی (در آسیای مرکزی و قفقاز)، در ترکیه امروزی با تغییر خط موقوف گردیده است.

در یکی از فصلهای کتاب اطلاعات کلی و دقیق و لازم برای قراءت خط شکسته ذکر گردیده است و از جمله طرز نگارش هر یک از حروف الفبای فارسی در آغاز، وسط یا پایان کلمات ارائه گردیده است با ذکر تفاوت آن با خط نسخ. در دو صفحه نیز ارزش عددی هر یک از حرفهای ابجد، هوز... نشان داده شده و در دو صفحهٔ دیگر، «سیاق» به‌دو شیوهٔ مرسوم در ایران و هند معرفی گردیده است، و سپس علائم اختصاری عبارات دعایی (صلعم: صلی‌الله علیه و سلم) ....، نام کتابهای فقه (یب: تهذیب الاحکام شیخ طوسی) ....، علائم اختصاری در کتابهای فقه (ظ: ظاهراً، ظاهر. کک: کذالک) ....، معادل عددی بعضی از اسامی (۱۱۰: علی) ....، اسامی ماههای قمری (ع۱: ربیع‌الاول، ذ-حج: ذی حجة‌الحرام) .... ذکر گردیده است.

پس از این مقدمات (ص۱ ـ ۳۰)، بخشهای شش‌گانهٔ کتاب آغاز می‌گردد:

۱ـ در بخش اول، ۵ نمونه از صورتهای اساسی خط نستعلیق و شکسته ارائه گردیده است که به‌نظر مؤلفان کتاب، خطوطی که در بخشهای بعدی کتاب آمده، همه به‌طور کلی از شیوهٔ این پنج نمونه استخراج گردیده است (ص۳۱ـ۴۸).

۲ـ در بخش دوم، در دو قسمت ۲۰ نمونه از دستنویسهایی که در قرن ۱۸ و اوائل قرن ۱۹ بیشتر در هند نوشته شده معرفی گردیده است (ص۴۹ـ۱۱۶).

۳ـ در بخش سوم، ده سند رسمی از دورهٔ قاجاریه آمده است: ۵ سند از نیمهٔ قرن نوزدهم و ۵ سند دیگر از اواخر آن قرن (ص۱۱۷ـ۱۴۶).

۴ـ در بخش چهارم، پانزده نمونه از دستنویسهای هند و ایران آمده که در حوالی سال ۱۹۰۰ نوشته شده است (ص۱۴۷ـ۱۸۰).

۵ـ در بخش پنجم، سیزده نمونه از نوشته‌های متعلق به‌ایران و افغانستان و تاجیکستان در قرن بیستم چاپ شده است (ص۱۸۱ـ۲۲۶).

۶ـ در بخش ششم، منحصراً سیزده اثر مکتوب اردو متعلق به اوایل قرن نوزدهم تا اواخر قرن بیستم مورد بررسی قرار گرفته است (ص۲۲۷ـ۲۶۹).

موضوع مهم تنها جمع‌آوری آثار مکتوب به‌این دو خط در چند قرن اخیر نیست، بلکه شیوهٔ ارائهٔ این اسناد نیز چنان دقیق و علمی‌ست که به‌راستی کتاب به‌صورت «خودآموزی» درآمده است که خواننده بی‌نیاز از استاد، به همهٔ ریزه‌کاریها و تفاوتهای خط نستعلیق و شکسته با خط نسخ پی می‌برد. طرز معرفی هر یک از نامه‌ها یا اسناد بدین ترتیب است که عین سند یا نامه در صفحهٔ سمت چپ گراور شده است. در صفحهٔ سمت راست آنچه در صفحهٔ مقابل به‌خط نستعلیق یا شکسته نوشته شده، سطر به‌سطر ــ با ذکر شمارهٔ هر سطر ــ به‌خط نسخ چاپ شده است. مطالبی هم که در حاشیه یا حواشی هر دستنویس نوشته شده، با شماره‌گذاری جداگانهٔ هر سطر در صفحهٔ سمت راست به‌خط نسخ نوشته شده است، با ذکر این‌که هر اثر مکتوب برگرفته از چه مأخذی‌ست. و آن‌گاه یکایک تفاوتهای خط نستعلیق و شکسته با خط نسخ سطر به‌سطر ذکر گردیده است. مؤلفان در موارد بسیار معدود، کلماتی را که قراءت آنها ممکن نبوده است با نشانهٔ (؟) مشخص ساخته‌اند.

با مطالعهٔ اسناد مندرج در این کتاب نکته‌هایی به‌جز آنچه مربوط به آموزش و خواندن خط نستعلیق و شکسته است و علت تألیف کتاب نیز همین موضوع بوده است، عاید خواننده می‌شود که یکی از آنها تفاوت آشکار سبک نوشته‌های فارسی افغانستان و تاجیکستان و هند با ایران است، و دیگر آن‌که به‌نظر نگارندهٔ این سطور، مؤلفان کتاب

در انتخاب بعضی از اسناد و مدارک نکات دقیقی را نیز از نظر دور نداشته‌اند که از جهت سیاسی و اجتماعی حائز اهمیت است. این است چند مثال:

در سند شمارهٔ ۳۲ می‌خوانیم که نویسنده به «جناب مستطاب...» اطلاع می‌دهد که اطمینان پادشاه ایران را دربارهٔ منصوب نکردن مشیرالدوله به‌وزارت خارجه به سالزبری اعلام کردم و ایشان اظهار رضایت نمودند...».

در سند ۵۳ صادر از حکومت کرمانشاهان به‌شمارهٔ ۲۰۸۹ مورخ ۱۳۱۵/۳/۱۱ آمده است: «متحدالمال به‌نواب حکومت: مقصود از نهضت بانوان در کشور فقط این نبوده است که رفع حجاب نمایند زیرا در کشور ایران روکرفتن از عادات زشت شهرنشینان بوده و اهالی قراء و قصبات بهیچوجه چنین عادتی نداشته‌اند.... بدیهی است طرز تهیه و قیمت لباس از حیث خوبی و بدی پارچه و دوخت به‌تناسب دارائی هرکسی خواهد بود که در عین حال به‌عموم نصیحت بدهید که از تجملات و استعمال پارچه خارجه اجتناب نمایند و لباسهای فعلی آنها نباید شبیه به لباسهای ایلاتی بوده باشد محل امضاء ـ حکمران کرمانشاهان ـ سواد مطابق اصل است».

در سند شمارهٔ ۵۶ مربوط به افغانستان: «از پروگرام حزب کمونیست اتحاد شوروی! کمونیسم چیست؟ کمونیسم عبارتست از نظام اجتماعی بدون طبقات با مالکیت واحد همگانی مردم بر وسائل تولید و...».

در سند شمارهٔ ۵۸: «کمونیست‌های پیرو ماسکو: در دوران صدارت محمد داودخان مرحوم عطش پشتونستان طلبی و نزدیکی مناسبات شوروی و افغانستان مساعدترین زمینه را برای پرورش چوچگان لنین در کشور فراهم کرد. نفوذ در معارف اولین پایگاه این میکروب بود که بعداً به اردو و ادارات ملکی سرایت کرد. در دههٔ قانون اساسی چوچه‌ها که تازه از تخم سر بدر کرده بودند، افتان و خیزان به‌راه افتادند و به‌حیث جایگاه مادر دور سفارت شوروی حلقه زدند. قوت دانه و دام چوچه‌ها را به‌سرعت پرورانید و بنام حزب دیموکراتیک خلق سازماندهی کرد...».

سند شمارهٔ ۶۱، فتوای آیت‌الله خمینی‌ست [در پاسخ استفتای مسؤول رادیو و تلویزیون وقت ایران دربارهٔ نمایش برخی از فیلمها و نمایشنامه‌ها و اجرای آهنگهای موسیقی با ذکر نام فیلمها و نمایشنامه‌ها و آهنگها]:

«بسمه تعالی. نظر نمودن به این قبیل فیلمها و نمایش‌نامه‌ها مرا هیچیک اشکال شرعی ندارد و بسیاری از انها اموزنده است و پخش انها نیز اشکالی ندارد و همینطور فیلمهای ورزشی و همینطور اهنگها اکثراً بی‌اشکال است کاهی خلاف بطور نادر دیده

میشود که باید بیشتر مواظبت کرد لکن دو نکته باید مراعات شود اول انکه کسانی که کریم [گریم] می‌کنند باید محرم باشند و اجنبی حرام است چنین‌کاری را انجام دهد دوم انکه بینندگان از روی شهوت نظر نکنند روح‌اله موسوی الخمینی».

در این سند، ظاهراً لفظ «مرا» (در صفحهٔ سمت راست به‌خط نسخ) زائد می‌نماید. به‌نظر می‌رسد که آیت‌الله نخست در آن سطر «نمایش‌نامه» نوشته و سپس به‌قیاس «فیلمها» که جمع است به‌جای افزودن «ها» به «نمایش‌نامه» لفظ «نامه‌ها» را بر بالای «نامه» افزوده است.

به‌نظر نگارنده این سطور کتاب حاضر نه فقط در مراکز ایران‌شناسی دانشگاههای خارجی، بلکه در خودِ ایران نیز به‌عنوان متنی درسی مورد استفاده قرار خواهد گرفت و بدین مناسب به مؤلفانِ محترم که این توفیق را به‌دست آورده‌اند باید تبریک گفت و از «بیبلیوتکا ایرانیکا» نیز ممنون بود که وسیلهٔ چاپ این کتاب را فراهم آورده است.

محمود امیدسالار

«ادبیات نهفتهٔ فارسی»
گزینه‌ای از اشعار ممنوعه

Paul Sprachman (editor and translator).
Suppressed Persian: An Anthology of Forbidden Literature.
Bibliotheca Iranica (Literature Series No.2)
Mazda Publishers, 1995. pp. 58+III

کسانی که با ادبیات فارسی در امریکا آشنایی دارند دکتر اسپراکمن را خوب می‌شناسند. وی صاحب تألیفاتی در باب ادبیات فارسی و به‌خصوص طنز فارسی‌ست. اسپراکمن به‌سال ۱۹۸۱ رسالهٔ دکتری‌اش را در باب عبید زاکانی در دانشگاه شیکاگو نوشت و در سال ۱۹۸۲ غربزدگی آل‌احمد را تحت عنوان *Plaqued By The West* و در سال ۱۹۸۵ یکی بود یکی نبودِ جمال‌زاده را با همکاری استاد حشمت مؤیّد تحت عنوان *Once upon a Time* منتشر کرد. مجموعهٔ حاضر که جُنگی‌ست از اشعار هجوآمیز فارسی و ترجمهٔ آنها به‌انگلیسی، آخرین کتاب اوست.

این مجموعه در دو قسمت است. قسمت اول مقدمهٔ نسبةً مفصلی‌ست که در آن آراء نویسندهٔ کتاب در مورد هجاء، با مطالعهٔ متون فارسی و عربی، به‌استناد این‌گونه آثار، بیان شده است. قسمت دوم برگزیدهٔ برخی اشعار هجوآمیز هشت شاعر فارسی زبان است: اولین این شعرا مهستی شاعر قرن ششم هجری‌ست و سپس سنائی غزنوی، انوری،